



صاعقه سخنوری در غروبی سپیده گشا^۱

بازخوانی متن کامل، زمینه‌ها و پیامدهای سخنرانی آقایان خزعلی، خلخالی و ربانی املشی در مراسم بزرگداشت ارتحال آیت‌الله سید مصطفی خمینی در ۶ آبان ۵۶ در قم

سهراب مقدمی شهیدانی
محمد خاکپور نصراله آبادی

مقدمه

هویت‌یابی و احیای اسناد تاریخی (اعم از متن، عکس، صوت، فیلم و...) یکی از کارویژه‌های مراکز تاریخی و ویژه‌نامه‌های بزرگداشت است. تدوین شناسنامه سند و ترسیم فضای تولید و ایجاد آن، در شکل‌گیری ارتباط مثبت مخاطب با یک سند، نقش اساسی دارد.

به رغم زحمات فراوان، هم‌اکنون حجم وسیعی از اسناد و متون تاریخی مربوط به وقایع نهضت امام خمینی، همچنان دور از دسترس قرار دارد. بدیهی است که با گذر زمان، احتمال امحاء یا دشواری هویت‌یابی این اسناد بالا خواهد رفت. متن سخنرانی‌های سخنوران مجاهد در مراسم بزرگداشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در شهرهای مختلف، یک سنخ از همین اسناد مغفول است و تاکنون اهتمام ویژه‌ای در جهت احیای آن شکل نگرفته است. چنانکه برخی از سخنرانان محترم مجالس مذکور به نگارنده تصریح کرده‌اند

۱. تعبیر «غروب سپیده‌گشا» از مقاله جناب آقای غلامرضا گلی زواره، وام گرفته شده است.

که حتی خود ایشان نیز امروز یک نسخه از متن یا صوت سخنرانی خود را ندارند! عجیب‌تر آنکه متن این سخنرانی‌ها یا گزارش و خلاصه‌ای از آنها، گاه در خاطرات خود این افراد نیز بازتاب نیافته است.^۱ نمونه دیگر، اعلامیه‌های اعلام، فضلا و جریان‌های مختلف سیاسی در واقعه شهادت آقا مصطفی است که این نیز تاکنون در مجموعه‌ای مجزا تجمیع و منتشر نشده است.^۲ عدم توجه به این سنخ از اسناد تاریخی، موجب گردیده که برخی نویسندگان در بررسی نقش آیت‌الله سید مصطفی خمینی در نهضت امام، گرفتار نقصان گردند و بدین وسیله حذف بخش‌های مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی رقم بخورد.^۳

این مسائل ایجاب می‌کند که یک اهتمام فراگیر در مراکز آرشیوی و تاریخی کشور در این جهت ایجاد گردد و بعد از گذشت چهل سال از واقعه شهادت یا ارتحال آیت‌الله سید مصطفی خمینی، همه اسناد و مدارک مرتبط با آن واقعه، تجمیع و منتشر گردد. آنچه پیش‌رو دارید، متن کامل سخنان آقایان خزعلی، خلخالی و ربانی املشی است که در مجلس بزرگداشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در ششم آبان ماه ۱۳۶۵ در مسجد اعظم قم ایراد شده است که برای نخستین بار^۴ منتشر می‌شود. صوت این جلسه در جریان مصاحبه نگارنده و جناب آقای سید محمد میر صالحی با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا ربانی خراسانی در اختیار بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی قرار گرفته بود که به مناسبت، پس از ترمیم، پیاده‌سازی و تدوین، در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد.

در این نوشتار علاوه بر متن کامل سخنرانی شخصیت‌های مذکور، زمینه‌ها و پیامدهای این سخنان نیز مرور شده است.

مجالس آقا سید مصطفی و تجربه اعتراض مدنی فراگیر

بعد از انتشار خبر شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، سلسله مجالسی به منظور مراسم بزرگداشت ایشان در اقصی نقاط ایران برگزار گردید که اکثریت این مراسمات،

۱. با توجه به اینکه این خاطرات از سوی مراکز معتبر تاریخ‌نگاری منتشر می‌شود، مسئله از دو حال خارج نیست؛ یا این مراکز نیز در آرشیو غنی خود نسخه‌ای از این سخنان ندارند که فاجعه‌ای است؛ یا دغدغه‌ای برای انتشار عمومی چنین مطالبی وجود ندارد که این هم در جای خود، تلخ و تأسف بار است. به عنوان نمونه، در خاطرات آیت‌الله گرامی و نیز خاطرات آیت‌الله خلخالی، نسخه‌ای از سخنان ایشان در مراسم بزرگداشت آیت‌الله مصطفی خمینی، موجود نیست.

۲. همچنین متن سخنرانی آیات عظام قم در حوادث قبل و بعد از قیام ۱۹ دی قم نیز تاکنون در یک مجموعه کامل، گردآوری و منتشر نشده است!

۳. در این مقاله به نمونه‌هایی در این جهت اشاره شده است.

۴. بر حسب تتبع نگارنده این سطور.

واجد چند ویژگی ممتاز بودند:

۱. مراسم نوعاً با محوریت علمای طراز اول در قم و سایر بلاد برگزار گردید و این مسئله، هم بر وزانت محافل می‌افزود، و هم کار مأمورین امنیتی را در برخورد با چنین مراسمی دشوار می‌ساخت و هم طیفی از روحانیون و مذهبیبون دور از میدان سیاست را عملاً وارد گود می‌کرد.^۱

۲. به رغم ایجاد یک پویش عمومی به منظور برگزاری مراسم‌های ختم توسط طیف‌های مختلف (اعم از مبارز و غیر مبارز)، در رأس کار گزاران اجرایی و برگزارکنندگان مجالس عزاداری و ختم، روحانیون و سایر نیروهای انقلابی قرار داشتند. آنها با استفاده بهینه از موقعیت موجود، تلاش کردند از این واقعه بیشترین استفاده را در پیشبرد نهضت امام خمینی داشته باشند. گزارش‌های ساواک نیز در این مسئله نشان از «انسجام مخالفان رژیم و برنامه‌ریزی آنها برای حداکثر استفاده از فرصت پیش آمده در کنار عزاداری است.»^۲

۳. این مراسمات به صورت خودجوش و سراسری برگزار می‌شد و نخستین تجربه عملیات میدانی فراگیر در به صحنه کشاندن عموم مردم در میدان بود. تجربه‌ای که بعداً در کوران وقایع آتی، به بسیج عمومی توده‌های مردمی انجامید و مشروعیت سیاسی رژیم شاه را از بین برد و زمینه‌ساز سقوط رژیم گردید.

۴. در اکثریت قریب به اتفاق این مراسم‌ها، نام امام خمینی علناً و با عظمت یاد می‌شد و به دنبال آن مردم یکپارچه صلوات می‌فرستادند. بدین وسیله ممنوعیت ذکر علنی نام امام شکسته شد و این مسئله در افزایش شناخت عموم مردم نسبت به امام خمینی و تثبیت بیش از پیش جایگاه رهبری ایشان، بسیار مؤثر بود.

۵. از جمله ویژگی‌های مجالس یادشده، اتحاد یکپارچه مخالفان رژیم و برگزاری مجالس ختم متنوع از سوی طیف‌های مختلف فکری و سیاسی، به صورت جداگانه یا مشترک با نیروهای مذهبی و روحانیان انقلابی است.^۳ در این جهت، فعال شدن نیروهای ملی - مذهبی بسیار قابل توجه است که یک نمونه از آن، حضور فروهر و برخی دیگر از

۱. به عنوان نمونه، نخستین مجلس ختم بلافاصله بعد از انتشار خبر شهادت آقا سید مصطفی توسط آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی برگزار شد و این مسئله نشان داد که طیفی از روحانیت طراز اول که تا پیش از این واقعه، آشکارا در میدان مبارزه حضور نداشتند، اکنون به شدت فعال شده‌اند؛ فعالیتی که گرچه به ظاهر، یک اقدام سیاسی محسوب نمی‌شد اما در نهایت به تقویت نهضت امام خمینی و مخالفت علنی با اقدامات رژیم انجامید.

۲. سجاد راعی گلوچه، *بازتاب‌ها و پیامدهای رحلت اسرارآمیز آیت‌الله مصطفی خمینی به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۱، ص ۵۸.

۳. همان.





همفکران او در مجلس ختم آقا مصطفی در مسجد اعظم قم است. همچنین برگزاری مجلس ختم آقا مصطفی در لبنان توسط شهید چمران و آقا سید موسی صدر، حرکت قابل تقدیر دیگری است که به بسیاری از سوء تفاهم‌ها و اختلاف‌ها بین نیروهای مستقر در لبنان و نیروهای فعال در نهضت امام خمینی پایان داد.^۱

۶. پخش اعلامیه با ماهیت سیاسی - مبارزاتی و اعتراضی و نیز اطلاع‌رسانی سایر مجالس ختم در شهرهای مختلف (یا همان شهر برگزاری مراسم)، یکی از کار ویژه‌های مهم این مجالس بود.

۷. هم‌افزایی مبارزاتی و سیاسی و مشاهده حضور یکپارچه و پر شمار مردم در مجالس ختم آقا سید مصطفی، برای نخستین بار خفقان پلیسی رژیم را شکست و نهضت را از غربت در محدوده نخبگانی بیرون آورد و عموم مردم را درگیر نمود. با وجود این، می‌توان شهادت آقا سید مصطفی و وقایع بعد از آن را، اصلی‌ترین عامل زمینه‌ساز در جهت پیدایش «انقلاب اجتماعی» و «بسیج توده‌ها» در جهت «تغییرات بنیادین» و «تغییر رژیم» تلقی کرد.

مجالس بزرگداشت در قم و ذکر نام امام

بعد از انتشار خبر شهادت آقا سید مصطفی خمینی، اولین مجلس فاتحه ایشان در مسجد اعظم برگزار گردید که به دلیل غلبه فضای خفقان، اسمی از امام خمینی و حتی آقا مصطفی برده نشد و حتی در اعلامیه مربوطه - که در آن مجلس قرائت شد - نیز از ایشان با نام «حاج سید مصطفی مصطفوی موسوی» یاد گردید.

با وجود این، در تاریخ دوم آبان ۱۳۵۶، مجلس بزرگداشتی از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی برپا شد، که حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد آل طه در این مراسم به منبر رفت و برای نخستین بار از زندگانی و شخصیت حاج آقا مصطفی خمینی سخن گفت. او رسماً نام امام را بر زبان آورد و مردم برای اولین بار با شنیدن نام امام خمینی، غرق هیجان و احساسات، یکپارچه صلوات فرستادند.^۲ این مراسم از ساعت ۹ تا ۱۱

۱. شهید مصطفی چمران گزارش مکتوبی از جزئیات این مجلس ختم نگاشته است. این یادداشت مربوط به نوامبر ۱۹۷۷ میلادی است، و در کتاب مصطفی چمران، *خدا بود و دیگر هیچ نبود*، گردآوری مهدی چمران، تهران، بنیاد شهید چمران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۷-۱۴۲ چاپ شده است.

۲. مقداد توانانیا و حسین آقاجانی، *روز شمار انقلاب اسلامی در قم ۱۳۵۷-۱۳۴۰*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴.



صبح برگزار شد و حدود ۶ هزار نفر در آن شرکت داشتند.^۱ در همین روز مراسم دیگری از سوی آیت‌الله مرعشی نجفی در حسینیه ایشان برگزار شد و سخنران این مراسم ضمن قدردانی از مردم - به دلیل تعطیلی مغازه‌ها - از آنها خواست ضمن بازگشایی بازار، به کار روزانه خود ادامه دهند.^۲ همچنین در عصر این روز، مراسمی از سوی آیت‌الله شریعتمداری در مسجد اعظم قم منعقد شد که حاشیه خاصی نداشت.^۳

در روز سوم آبان طلاب زیادی در مدرسه خان جمع شدند و بانصب پرچم سیاه بزرگی بر سر در مدرسه، «شهادت حجت‌الاسلام مصطفی خمینی را به آیت‌الله العظمی خمینی» تسلیم گفتند و در همین روز، مجلس ختمی در مسجد جامع قم برگزار گردید و بعد از نماز مغرب و عشاء مراسمی از سوی آیت‌الله وحیدی در مسجد اعظم قم برپا شد. مجلس دیگری در تاریخ ۵ آبان از سوی حاج سید ابوالفضل خوانساری، در مسجد اعظم قم منعقد شد و در این مراسم بود که اعلامیه برگزاری مجلس ختم بزرگ صبح جمعه (۶ آبان)، منتشر گردید.^۴ البته دو روز پیش‌تر در مراسم مسجد جامع تهران (سوم آبان)، سخنران جلسه^۵ از مردم دعوت کرد که در سایر مجالس بزرگداشت شهادت سید مصطفی خمینی شرکت کنند که یکی از آنها، مراسم مسجد ارک تهران (ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۷ روز ۶/۸/۶۵) بود و دیگری مراسم روز ۶/۸/۵۶ (ساعت ۹ الی ۱۱) در مسجد اعظم قم.^۶

در پی اطلاع‌رسانی‌های گسترده پیرامون مراسم صبح جمعه، برخی از سیاسیون تصمیم به حضور در این مراسم گرفتند و به دنبال آن، اداره کل سوم ساواک در نامه محرمانه‌ای خطاب به ساواک قم، از قصد عزیمت برخی اعضای «حزب ملت ایران» (از جمله داریوش فروهر، محمد خلیل‌نیا، علی خلیلیان) به قم خبر داد و از آن سازمان خواست تا رفتار فروهر تحت مراقبت قرار گیرد. همچنین ساواک قم در نامه‌ای خطاب به ریاست شهربانی قم، تأکید کرد که نسبت به طلابی که قصد برپایی تظاهرات در مراسم روز جمعه را دارند، پیش‌بینی‌های لازم صورت گیرد.^۷

بالآخره روز موعود فرا رسید و صبح روز جمعه ۱۴ ذی‌قعدة به مناسبت هفتمین روز

۱. معصومه مرادپور آرانی، *روزهای حماسه ونور* (روز شمار انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶)، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. مقداد توانانیا و حسین آقاجانی، همان، ص ۱۳۵.

۵. سید عبدالرضا حجازی.

۶. معصومه مرادپور آرانی، همان، ص ۴۵-۴۴.

۷. همان، ص ۴۹.

در گذشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی مجلس باشکوهی از سوی حوزه علمیه قم در مسجد اعظم منعقد گردید. تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم باشکوه در منابع مختلف، از ۲۰ هزار نفر (مندرج در اسناد ساواک) تا ۵۰ هزار نفر (در منابع تاریخی) تخمین زده شده است که در آن زمان، آماری اعجاب‌آور به حساب می‌آید.^۱

با آن که ساواک سعی داشت از وسعت دامنه مجالس و سخنان سخنوران دینی جلوگیری به عمل آورد، با وجود این سه تن از فضایی حوزه علمیه آقایان خزعلی، شیخ صادق خلخالی و ربانی املشی، به سخنرانی پرداختند و به تفصیل پیرامون شخصیت آیت‌الله سید مصطفی خمینی و پدر بزرگوارش امام خمینی روشنگری کرده، نسبت به تبعید طولانی امام به شدت اعراض نمودند.

با توجه به محتوای سخنرانی سه شخصیت فوق‌الذکر، و خصوصاً به جهت بیان شجاعانه نام امام و اعتراض به تبعید طولانی ایشان، مراسم ششم آبان نقطه عطفی در میان مجالس بزرگداشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در قم و سایر مراکز به حساب می‌آید. چه اینکه مجلس معروف مسجد ارگ تهران نیز دو روز بعد از این مراسم منحصر به فرد و پس از سخنان شجاعانه خطبای این جلسه، برگزار شد و طبعاً ذکر نام امام در آن جلسه، نه تنها سدشکنی محسوب نمی‌شد که اگر خطبای جلسه چنین نمی‌کردند، چه بسا مورد ملامت عموم مردم قرار می‌گرفتند.^۲

جالب آنکه در برخی منابع که به صورت تخصصی به ماجرای بازتاب‌ها و پیامدهای شهادت آقا سید مصطفی خمینی پرداخته‌اند، هیچ اشاره ویژه‌ای به مراسم ششم آبان نشده^۳ و در عوض از مراسم مسجد ارگ که با دو روز تأخیر برگزار گردید، با تجلیل و تمجید فراوان یاد شده است^۴ که صد البته برای روایت از شکوه مجلس مسجد ارگ،

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون/ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵۲۶.

۲. البته این مجلس به دلیل وقوع در پایتخت، از اهمیت خاص خود برخوردار است اما در مقام مقایسه، به دلیل تأخر زمانی، اهمیت آن از نظر ذکر علنی نام امام و درخواست بازگشت ایشان، از جلسه روز ششم آبان مسجد اعظم به مراتب کمتر است. ضمناً برخلاف تصور ذهنی مشهور، که باور دارند نخستین بار در این جلسه از تعبیر «امام خمینی» استفاده شده است، شایان ذکر است این عبارت از ابتدای دهه ۴۰ در اشعار نعمت آزرم و کتاب سرود، جهش‌ها به قلم استاد حکیمی، و حتی در برخی آثار و جزوات درسی امام (که توسط مبارزین نجف نشر می‌شد)، مکرر استفاده شده بود. (رک: <http://iranemoaser.ir/content/173>) البته ناگفته نماند که در سخنرانی مسجد ارگ، این تعبیر در سطحی وسیع انتشار یافت و بر زبان عموم مردم افتاد که این هم اقدامی ستودنی است.

۳. برای نمونه رک: سجاد راعی گلوچه، زندگی‌نامه و مبارزات آیت‌الله سید مصطفی خمینی، ناظر: اسدالله بیات، تهران، عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))، ۱۳۸۹، (بخش مربوط به پیامدهای درگذشت آقا مصطفی در قم)، ص ۱۵۰-۱۴۸.

۴. برای نمونه رک: سجاد راعی گلوچه، بازتاب‌ها و پیامدهای رحلت اسرارآمیز آیت‌الله مصطفی خمینی به روایت اسناد، همان، (مدخل پژوهشی، گفتار چهارم: بخش مربوط به واکنش‌ها در ایران)، ص ۶۱-۵۷.

نیازی به نادیده گرفتن یا تغافل از مجلس مسجد اعظم قم نبوده و نیست.

اعلامیه برگزاری مجلس ختم شب هفتم رحلت آیت الله سید مصطفی خمینی در مسجد اعظم قم

به مناسب بزرگداشت ارتحال آقا مصطفی خمینی، اطلاعیه‌ای با امضای «حوزه علمیه قم» صادر گردید که «عموم طبقات و روحانیون» به حضور در آن دعوت شدند. متن آن به قرار زیر است:

بسمه تعالی

به مناسبت فاجعه جانگداز درگذشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت الله علامه سعید آقای حاج آقا مصطفی خمینی قدس سره فرزند برومند و رشید زعیم عالیقدر و مجاهد عالم اسلام، مرجع روشن ضمیر و روشنگر شیعه، حضرت آیت الله العظمی خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه، مجلس ختمی از طرف اساتید و مدرّسین در مسجد اعظم [قم]، صبح روز ۱۴ ذی القعدة ۹۷ (۱۳۵۶/۸/۶) برقرار است. انتظار می‌رود از عموم طبقات محترم، خصوصاً روحانیون عالی‌مقام، با شرکت خود در این مجلس، شعائر اسلامی را عظمت بخشند.

حوزه علمیه قم^۱

این اطلاعیه در تیراژ بالا تکثیر شد و محتوای آن به سرعت در مجالس مختلف در قم و برخی شهرهای دیگر، به اطلاع عموم مردم رسید. یکی از علل شکوه خاص مراسم ششم آبان، توفیق بانیان مراسم در اطلاع‌رسانی گسترده و دقیق بود.

گزارش مراسم جمعه ۶ آبان در اسناد ساواک

در اسناد منتشر شده، اسناد زیادی پیرامون مراسم ششم آبان در دست نیست اما در همین تعداد اندک، گزارش نسبتاً مفصل و مبسوطی به چشم می‌خورد که نشان از گستره و اهمیت این مجلس در آن زمان خفقان‌بار دارد. در ادامه متن کامل گزارش را می‌خوانید:

برگزاری مجلس ترحیم به مناسبت فوت مصطفی خمینی وسیله

۱. همان، ص ۱۵۲.





مدرسین

از ساعت ۸ صبح روز جمعه ۱۳۶/۸/۶ به مناسبت درگذشت مصطفی خمینی مجلس ترحیمی از طرف مدرسین حوزه علمیه قم در مسجد اعظم برقرار گردید.

در این مجلس از ساعت ۸ الی ۹/۳۵ تلاوت قرآن بود. سپس شیخ صادق خلخالی پشت میکروفن قرار گرفت. جمعیت حاضر در جلسه را به آرامش و سکوت دعوت کرد و ضمناً اعلام کرد که مجالس بعدی در تهران در مسجد جامع و مسجد ارک برپا می‌گردد.

پس از آن شیخ ابوالقاسم خزعلی پیرامون نقش روحانیت در دنیا صحبت کرده اظهار داشت عده‌ای از افراد کوتاه‌فکر می‌گویند دین از سیاست جدا است ولی این طور نیست. دو اصل مهم قانون اساسی مربوط به مراجع فقیه است. ماده ۲ قانون اساسی می‌گوید اگر کتابی چاپ شد باید با دقت مجلس شورا مطالعه کند و به نظر فقها برساند چنانچه از نظر آنان بلاشکال بود چاپ شود و در غیر این صورت بر مجلس است که از چاپ آن کتاب جلوگیری کند. و اگر مجلس ترتیب اثر نداد وزیر کشور موظف است جلوی خلاف را بگیرد. پس دیدید که روحانیت در صدر قانون قرار دارد و اما ماده قانون اساسی می‌گوید حتی اگر به یک کارگر توهین شود مجلس باید رسیدگی کند. آن وقت به یک مرجع توهین می‌شود و اضافه کرد که شما دم از آزادی می‌زنید. مردم می‌خواهند که مرجع بزرگ به وطن بازگردد و در خاتمه آزادی آیت‌الله قمی را که در کرج است خواستار شد.

بعد از خزعلی شیخ مهدی ربانی رانکوهی صحبت کرد. خیلی تند و با حرارت گفت وظیفه وزارت امور خارجه یکی این است که اگر یکی از اتباع ایران در یک کشور خارجی فوت نماید باید در مورد علت مرگ او رسیدگی کند که چه شده است از دنیا رفته. چرا وزارت امور خارجه در مورد فوت مرحوم حجت‌الاسلام آقا مصطفی خمینی تحقیق نکرده و اگر تحقیق کرده چرا در روزنامه‌ها درج نشده و حمله به روزنامه‌ها کرد و گفت یک روزنامه در یک کاغذپاره نام مرجع بزرگ را می‌نویسد روح‌الله،

این توهین است. می‌دانید چه باید بنویسید باید بنویسید مرجع عالیقدر عالم تشیع حضرت آیت‌الله العظمی خمینی (صلوات بلند جمعیت) و افزود دیدید علاقه را و در خاتمه خواستار بازگشت خمینی به وطن شد. ساعت ۱۱/۰۵ مجلس ختم شد و جمعیت متفرق شدند.

نظریه شنبه: جمعیت امروز حدود بیست هزار نفر بود و دانشجویان هم در محل زیاد به چشم می‌خوردند ولی مجلس شدیدت تحت کنترل بود. شیخ قدرت‌الله علیخانی و محمود فاضل زاده به اتفاق عده‌ای از طلاب مجلس را کنترل کرده و مواظب بودند که کسی شعار ندهد ضمناً در موقع شروع سخنرانی قدرت‌الله علیخانی مرتب مواظب میکروفن بود که کسی خارج از برنامه صحبت نکند. جلو درب مسجد هم عده‌ای از مدرسین به اسامی محمدعلی گرامی، شیخ محمد یزدی، یوسف صانعی، یحیی انصاری، شیخ صادق صادقی خلخالی، شیخ مهدی ربانی رانکوهی، شهاب‌الدین اشراقی ایستاده بودند. قرار بود عده‌ای از طلاب مدرسه خان به صورت هیئت سینه‌زنی حرکت کنند و به مسجد اعظم بیایند و حتی اشعاری هم برای این منظور سروده بودند. ولی مدرسین اجازه ندادند و موافقت نکردند.

نظریه یکشنبه: مفاد گزارش صحیح است. چون این روز مصادف با جمعه و جمعیت کثیری از زوار در قم حضور داشتند جمعیت شرکت‌کننده در مجلس بیش از هر روز دیگری بوده است. ضمناً موضوعی که اکنون مطرح است و مورد اعتراض عده‌ای واقع شده اینکه چرا در مورد فوت آیت‌الله زاده بروجردی که چند روز قبل از این بود چنین تجلیلی نه از طرف طلاب و نه از طرف مردم و بازاریان به عمل نیامد. در حالی که محمدحسن بروجردی از مصطفی خمینی موجه‌تر بود و هم مرحوم بروجردی از خمینی اعلم‌تر بوده است. این اعتراض وجود دارد ولی کسی از ترس طرفداران خمینی جرأت ابراز چنین مطلبی را ندارد.

نظریه دوشنبه: با اقدامات و مراقبت‌های معموله مجلس مذکور بدون سر و صدا و تظاهرات خاتمه پذیرفت. پارسا
نظریه سه‌شنبه: صحت خبر و نظریه دوشنبه مورد تأیید بود با انجام





پیش‌بینی‌ها طلاب افراطی در مجلس قم روز مزبور از انجام تظاهرات و دادن شعار خودداری نمودند. رهبر آقای خوانساری - آقای مجتبوی:

در گزارش روزانه درج شود و در ملاحظات آورده شود که این همان مجلس است که فروهر و همراهان شرکت داشته‌اند.

بهره‌برداری شود. ۳۶/۸/۲۱

در ساعت ۱۲ روز ۸/۱۱ سال ۳۶ به بخش ۳۱۲ واصل گردید.^۱

دقت‌ها و تحلیل‌های جالبی در این سند به چشم می‌خورد که نشان از حساسیت ویژه ساواک نسبت به مجالس بزرگداشت آقا سید مصطفی و ارزیابی دقیق آنها از حضور غیرمنتظره روحانیون و عموم مردم در این مجالس دارد. در ادامه متن سخنان آقایان خلخال، خزعلی و ربانی املشی را خواهید خواند.

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، شرح مبارزات حضرت آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، کتاب بیست و یکم، ص ۲۵۰-۲۴۸.

سخنرانی آقایان خلخالی، خزعلی و ربانی املشی در مراسم ششم آبان ۵۶ در قم

سخنرانی آیت الله شیخ صادق خلخالی گیوی

الحمد لله رب العالمین و باری الخلائق الاجمعین ثم الصلاه والسلام علی رسولہ و امین و حیه حبیب الہ العالمین و شفیع ذنوب المذنبین و علی الہ الطیبین الطاہرین المعصومین واللعن دائم علی اعدائهم اجمعین. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْعَزِیزِ الْحَکِیْمِ. همه تسبیحات و همه تقدیس ها، همه حمدها و همه ثناها مختص ذات مقدس حضرت حق سبحانه و تعالی است. به همین مناسبت حمد و ثنا و تسبیح، تعریف و تمجید مختص ذات مقدس حضرت حق است. برای خاطر اینکه او همه آسمان ها و زمین ها را در اختیار دارد، تمام سماوات بعد از این مال او است و ملک او است. پر اقتدار، جبار و متکبر است، در مقابل اراده او اراده دیگران هیچ و پوچ است. او خدایی است که جمیع عالمیان را خلق کرده و زمام امور هستی را در اختیار دارد. عزیز است، قدوس و منزله از همه عیبها و نقصها است. جاودانی و همیشگی است، لم یزل و لایزال؛ بر جهان حکومت می کند. اراده حقه خدای تبارک و تعالی تعلق گرفت که برای هدایت افکار انسانها انبیا را مبعوث کند و بخواهد عقل مردم را که نمی توانستند راه و چاه خودشان را از هم تشخیص بدهند انبیا را بفرستد و چراغ راه هدایت انسانها باشد. پس از انبیا، اوصیا در مرحله حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و وصی بلا فصل او حضرت امیر المؤمنین مولی الموحدین قائد القره المهجرین یعثوب الدین امام المتقین علی (ع) را جانشین خود قرار داد. ما هم دنباله رو مکتب خدا و مکتب انبیا و مکتب اولیا بودیم و هستیم. در مقابل مکتب انبیا و مکتب اولیا عده ای بودند در دنیا به عنوان «قدرت» و به عنوان «قوت» تکیه می زدند و می خواستند حکومت الهی را در میان جمعیتها سست کنند و به نابودی بکشانند. نمونه بارز آنها در قرآن زیاد است که نهضت انبیا را تشکیل می دهد. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِی الْاَرْضِ وَجَعَلَ اٰهْلَهَا شِیْعًا یَسْتَضِعُّ طَآئِفَةً مِنْهُمْ یُدْبِحُ اَبْنَاءَهُمْ وَیَسْتَحِیِّی نِسَاءَهُمْ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِیْنَ»^۱ این منطق پوشالی فراعنه و اکاسره^۲ و قیاصره^۳ بود که در مقابل مکتب خدایی خواستند عرض اندام کنند. در مقابل مکتب الهی می خواستند برای خودشان موقعیت و ارزشی داشته باشند. تفرقه می انداختند،

۱. همانا فرعون در سرزمین مصر به سرکشی و استکبار پرداخت و میان ساکنان آن دیار اختلاف برانگیخت و از آنان چندین گروه مختلف و متفرق بساخت. او در این میان طایفه بنی اسرائیل را به استضعاف کشید تا آنجا که پسرانشان را سر می برد و زنانشان را برای خدمت باقی می گذاشت، چرا که او از فسادگران بود. (قصص / ۴)

۲. جمع کسری. لقب پادشاهان ساسانی.

۳. جمع قیصر. لقب پادشاهان روم.





دوئیت درست می کردند، مردم را از همدیگر جدا می کردند، اتحاد و همبستگی در میان جمعیت را سلب می نمودند. تمام این نقشه‌ها را پروردگار عالم در آیه‌ای اشاره می کند. خدای تبارک و تعالی غافل از کار جهان نبود «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ»^۱ «آنکه لبالمرصاد»^۲ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳ اراده حتمی و ازلی پروردگار عالم این بوده که زمام امور جهان در اختیار خوبان و پاکان و مظلومان قرار بگیرد؛ این مشیت الهی بود و این مشیت الهی هست. امروز مجلس خیلی معظم است و مجلس مال شخص خاص نیست، مال حوزه علمیه است، مربوط به هر فرد و هر شهر و هر طلبه‌ای که در حوزه علمیه قم تحصیل می کند یا درس می گوید یا درس می خواند است. تمام اینها می خواستند ابراز احساسات کنند، مجلسی به پا بدارند که بخواهند بگویند ای عظیم، ای زعیم عالیقدر شیعه، ای مرجع بزرگ مسلمین، ما همه در اختیار تو هستیم و به امر تو هستیم و تو را به شایستگی و از هر جهت آراسته، محکم و مستحکم قبول داریم. ما همیشه به حرف مراجع و بزرگان دین ارج قائل بوده‌ایم برای خاطر این که بزرگ مرجع تقلید شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی [صلوات پر شور مردم] همیشه این را در اعلامیه‌هایشان و در بیانیه‌هایشان گوشزد می کردند و تذکر می دادند. ما همه گوش به فرمان آن مرجع تقلید بوده‌ایم و در این چند روزه هم احساسات همه آقایان که در این مجالس شرکت کردند و این مجلس را بزرگ داشتند بدون شعار و بدون تحریک احساسات دیدید چقدر مجالس، عالی منعقد شد و شاید هم مجالس ادامه پیدا کند. مجلس باز ادامه دارد از بازاری‌ها و مردم متدین قم، مردم شریف و اصیل و آزاده و چیزفهم قم در بازار از ساعت ۲ مجلس ختم برقرار می کنند. باز شب در همین جا از طرف بیت محترم حضرت آیت‌الله العظمی خمینی [صلوات پر شور مردم] فاتحه برقرار است. پس فردا، روز یکشنبه قبل از ۲، بیانیه‌ای دادند از طرف علمای تهران من در اینجا می خوانم: انا لله و انا الیه راجعون [گریه مردم] فاجعه اسفناک - گوش بدهید، گوش بدهید، گوش بدهید - فاجعه اسفناک ارتحال حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج آقا مصطفی خمینی [صلوات پر شور مردم] مدظله موجب کمال تأسف گردید، ضمن تسلیت به محضر مبارک بزرگ مرجع عالیقدر تشیع حضرت

۱. و توای انسان میندار که خدا از آنچه ستمکاران غرق در ناز و نعمت انجام می دهند بی خبر است. (ابراهیم / ۴۲)

۲. اشاره به آیه شریفه «ان ربک لبالمرصاد» «همانا پروردگار تو همواره در کمین است.» (فجر / ۱۴)

۳. آری، فرعون برای انقراض بنی اسرائیل تلاش می کرد، در حالی که ما می خواستیم کسانی را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند نعمتی گران سنگ عطا کنیم؛ آنان را پیشوایانی قرار دهیم که از ایشان پیروی شود و ماوهبی را که در اختیار فرعونیان بود از آن ایشان کنیم. (قصص / ۵)



آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی [صلوات پر شور مردم] سلمه الله للمسلمین و طول بقائه، مجلس ختمی به همین مناسبت روز یکشنبه ۱۶ ذی‌القعدة از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در مسجد ارک تهران از طرف علما و روحانیون و اساتید دانشگاه و مهندسين و پزشکان اسلامی برقرار است و از طرف تجار و بازرگانان به همین مناسبت در اینجا مجلس برقرار است؛ امضای متجاوز از صد نفر از علمای تهران؛ الان یکی از اساتید بزرگ حوزه به من فرمودند مجالس، اختصاص به ایران ندارد بلکه تلگرافی من داشتم از کراچی و از لاهور از شهرهای بزرگ پاکستان به همین مناسبت فاتحه برقرار است. [گریه مردم] در تمام شهرهای عراق، در تمام مسیر دجله و فرات، به پاس احترام از یک سرباز رشید فداکار عالم اسلامی که مدت‌ها در ایران نبود [گریه مردم] و قلب دوستان و ارادتمندان خود را در آتش فرو برد. [گریه مردم] ما انتظار داشتیم به ایران باز گردد، [گریه مردم] ایشان را از نزدیک در بغل بگیریم اما چه کنیم مقدر چیست. در تمام شهرهای عراق در شامات و در لبنان و در کشورهای دیگر به همین مناسبت فواتح برقرار است. آنچه که از همه حوزه علمیه متوقع است، عبارت از این است که بر احساسات خودشان غالب بشوند. مخصوصاً جوان‌های مجلس که این جوان‌ها خیلی ارزش دارند خیلی قیمت دارند. چرا؟ برای خاطر این که قلب پاکی دارند و به خدا نزدیک‌تر از دیگران هستند - به آن مناسبت - جوان شور دارد احساس دارد می‌خواهد حرف بزند می‌خواهد در یک واقعه مهم داد بزند فریاد بکشد اما، اما به همه این احساسات انسان عاقل و انسانی که دارای بینش است باید مسلط بشود بهانه به دست این و آن ندهد، الان شما ملاحظه می‌کنید مجلس در غایت نظم است و همین مجالس به همین ترتیب مخصوصاً پس از مجلس، پس از خاتمه این مجلس در کمال آرامش، بدون احساسات و بدون شعار. ما عقل داریم، ما دائماً نباید به مردم بگوییم که احساساتی هستیم. ما هم در دنیا منطبق داریم، منطبق ما منطبق قرآن است. قرآن به ما راه و روش نشان می‌دهد. قرآن می‌گوید: «...وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»^۱ ما نباید از طریقه پسندیده و از طریقه استوار تجاوز کنیم و حالا هم بنده از طرف همه اساتید حوزه از همه آقایان، از همه سروران، از کسبه، از تجار، از دانشگاهی، از آقایان بزرگی که از راه‌های دور آمدند و در این مجلس شرکت کردند، خواهش می‌کنم بدون کوچکترین ابراز احساساتی گوش به حرف گویندگان بدهند و در کمال آرامش این مجلس برقرار باشد. خداوند تبارک و تعالی همه شما را موفق و پیروز بدارد. والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته.

۱... و در این رهگذر با بهترین شیوه با آنان مجادله کن... (نحل/۱۲۵)

سخنرانی آیت‌الله شیخ ابوالقاسم خزعلی

لا حول و لا قوة الا بالله العظیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین
بارئ الخلاق اجمعین والصلاه والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین و افضل السفراء
المقربین حبیب‌اله العالمین ابوالقاسم محمد (ص) [صلوات پر شور مردم] و علی آله
الطیبین الطاهرین غره المیامین و صلی اللهم نورک و صراطک و ولی و لیک و وصی
و صیک و حجتک علی خلقک الحجتہ بن الحسن المهدی المنتظر (عج) ارواحنا له الفداه
و اللعن الدائم علی اعدائهم و مخالفیهم اجمعین الی یوم الدین، قال سبحانه: «وَمَا كَانَ
الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا
قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۱.

انعقاد این مجلس شکوهمند به مناسبت درگذشت و ارتحال عالم عامل، فقیه مسئول،
مجتهد مجاهد، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید مصطفی خمینی
[صلوات پر شور مردم] فرزند برومند مرجع، قائد، زعیم، بزرگ مرد جهان تشیع حضرت
آیت‌الله العظمی خمینی [صلوات پر شور مردم] خصائصی برای فقید سعید هست که هر
کدام سوژه سخن و محور کلامی است؛ ولی آنچه رشته تخصصی او را تشکیل می‌داد،
جنبه فقه بود. از سایر مسائل اسلامی اطلاع و وقوفی داشته است اما آنچه هسته مرکزی
دانش او را تشکیل می‌دهد، فقه او است. جوانی است برومند، مردی برومند، دارای فقه
ارزنده و قریحه سرشار و فقهی که در راه مسلمین به کار گرفته شود و برای اعلام
مسلمانان با تمام قوا به کار بسته شود. فقه، فقیه، بحث من پیرامون فقه و فقیه است و در
پرتو این بحث نقش روحانیت در جامعه روشن شود خیلی مایلیم بدانم روحانیت در جامعه
چه نقشی دارد. بسا مختصر اطلاعی باشد ولی اطلاع دقیق که فقه چیست؟ فقیه کیست؟
نقش روحانیت چه نقشی است؟ در این باره گروه کمی از مردم مطالعه کردند که در موقع
پاسخ، پاسخ‌ها نارسا و ناقص از آب درمی‌آید. فقه به همین اصطلاح متأخرش وقوف بر
احکام الهی و یافتن آنچه، به عنوان پیام از خداوند متعال برای نظام جامعه آمده است.
فقه بر حسب واریسی که کرده‌ام ولو در شرایط، ابواب فقه را ببینید از ۵۰، ۵۰ و کسری
تجاوز نکند. ولی از مجموع کتب فقهیه شیعه و سنی - بعد از واریسی کردن - هشتاد باب
فقهی را به دست آورده‌ام. در این هشتاد باب، ۵ یا ۶ باب مربوط به عبادت است بقیه
مربوط به روابط، نظامات، قوانین زندگانی انسانی مردم در این باره فعالیت می‌شود که

۱. مؤمنان وظیفه ندارند که همه رهسپار میدان‌های نبرد شوند و از دستیابی به دانش باز مانند پس چرا از هر
فرقه‌ای گروهی نزد پیامبر نمی‌روند تا دانش دین بیاموزند و هنگامی که به سوی قومشان بازگشتند آنان را از
مخالفت با احکام الهی همدار دهند، باشد که آنان بترسند؟ (توبه/ ۱۲۲)



روابط مردم روی یک اصول عقلایی و انسانی و خدایی تنظیم گردد. به علاوه همان مباحث عبادی هم در این باره یک توضیح، مباحث عبادی خود اسیر است در جان بشر برای فرو نشانیدن عطشی که در عمق جان بشر هست برای ارتباط با خالق، برای آن کسی که گاهی واله و حیران می‌شود علی (ع) و می‌گوید: قرار بده قلب مرا به حب خودت مدلل و متیّم و مطیع، آن حب تو سراسر جان مرا بگیرد جز تو نبینم. جز به فرمان تو حرکت نکنم. این یک عطشی است در جان انسان ولو تنها زندگی کند و روابط اجتماعی هم نباشد. این خود مطلبی حساس است و هر چه بیشتر پر ارزش و ارجمند، اما همین، یکی از فرآورده‌های آرام کردن روح بشر، تعدیل کردن قوای بشر، تنظیم کردن غرایز و همه را در کانال تکامل و در راه جهت‌گیری شده به کار انداختن. اینجاست که مکتب انبیا متمدن قانون آورده است و مکاتب دیگران مطلقاً نه، مطلقاً نه، چون یکی از نویسندگان قانون، بنام و بزرگ، ژان ژاک روسو^۱ می‌گوید: کسی می‌تواند ادعای قانون کامل بکند و بگوید برای رشد یک ملت، من قانونی کامل ارایه کرده‌ام که اول ملت را بسازد. انسان‌هایی که هر فردی واحد مستقلی است و بریده از دیگران است، اینها را با جامعه پیوند دهد. خود را و قوای خود را در جامعه ببیند و غرایز سرکش خود را تنظیم بکند. اما این کار شده؟ این آرزوی ژان ژاک روسو است. اگر این شد قانون درست است و الانسانی که با غرایز سرکشی چون زبانه‌های جهنم به جان مردم بیفتند، از زیر و بم قانون و از پیچ و خمش به نفع خود استفاده خواهد کرد. هر قانونی که از آن عالی تر نباشد به دست انسان آزند بیفتد از آن سوءاستفاده خواهد کرد. روی این جهت، قانون نویسی یک طرف، ساختن انسان‌هایی که این قانون درباره آنها باید اجرا و پیاده شود یک طرف، و این معنا سهم بسیار مهمی دارد. «عبادات» در اسلام علاوه بر ارضا کردن عطش جان، زمینه‌ای برای اجرای قانون است. انسان متعبد و متدین و علاقه‌مند به خدا و دارای حس مسئولیت نمی‌تواند تجاوز بکند. «ان الذین لا یؤمنون بالاخره عن الصراط لنا کبون»^۲ کسانی که ایمان به مسئولیت آخرت ندارند اینها هستند که بازیگرند و با قانون تلاعب^۳ می‌کنند و از صراط ناکب^۴ می‌شوند. بنابراین باید گفت تمام هشتاد کتاب فقهی به منظور

۱. ژان ژاک روسو فیلسوف، شاعر و نویسنده بزرگ فرانسوی - سوئیسی در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در «ژنو» پایتخت سوئیس به دنیا آمد. از روسو آثار متعددی به چاپ رسیده که ده اثر از وی به فارسی ترجمه شده است. روسو به رغم طبع حساس خود با تندمزاجی، غرور و خودپسندی بسیار و سوءظن شدید زیست و در ۲ ژوئیه ۱۷۷۸م درگذشت.

(علی حائری و همکاران، روزشمار میلادی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶، ص ۳۴۶)

۲. و آنان که آخرت را باور ندارند، قطعاً از این راه منحرف‌اند و به این دین پشت می‌کنند. (مؤمنون/ ۷۴)

۳. بازی کردن

۴. منحرف شدن

رشد مردم، نظم مردم و کار مردم است. فلذا عقلاء در موقعی که تدوین قانون اساسی می‌شد این را با دیده‌ای باز نگریستند و موادش را گنجانند که باید قانونی منظم باشد. بنویسید، اصل اول متمم قانون اساسی، دین رسمی ایران «اسلام» و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است. اگر دین مربوط به نظامات زندگی نبود، تیمم و وضو و غسل و نماز و روزه، این روش سراسر ایران است. این یک بحثی است مختصر، ۶-۵ کتاب، اما مابقی تا هشتاد کتاب، باید در این مملکت به عنوان نظام اجرا شود. بنویسید، اصل دوم متمم قانون اساسی، مجلس شورای ملی باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام- صلی الله آله و سلم- نداشته باشد. «مخالفت نداشته باشد»، خب چه کسی می‌تواند تشخیص بدهد این مخالف هست یا نه؟ معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام- ادام الله برکات وجودهم- بوده و هست. «بر عهده»، یعنی این مسئولیت برای ۳۰ میلیون، ۳۳ میلیون بر عهده فقیه هست. فقیه اگر دید نسل مردم، مال مردم، عقل مردم، فکر مردم، عفت مردم، بازار مردم، فرهنگ مردم، دانشگاه مردم، زن مردم اگر اینها به فساد گرایید مجلس می‌گوید بر عهده تو گذاشته‌ام. مجلس یعنی نماینده ملت به حکم ماده دوم قانون اساسی، مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است چون نماینده آنها هست می‌گوید آقا من به شما واگذار کردم من نمی‌توانم تشخیص بدهم این مخالف یا موافق اسلام است. شما باید تشخیص بدهید. لذا سمت فقیه در جامعه سرپرستی قوانین خدایی آسمانی که بر مصالح بشر بنیان شده و بنیادش و زیر بنایش مصالح است و هدفش تکامل انسان‌ها، هدفش «... لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ...»^۱، هدفش «... يَزْكِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»^۲، هدفش «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...»^۳، هدفش زندگانی برادروار، مساوات‌دار است؛ هدفش «... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ...»^۴ برای خدا حق را بگویید عدل را برپا کنید ولو به ضرر خودتان و پدرتان و مادرتان و خویشان‌تان باشد. فقیه کار تو این است از بالا «الْفُقَهَاءُ

۱. به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و... (حدید/ ۲۵)

۲. ... پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد... (آل عمران/ ۱۶۴)

۳. قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید... (اسراء/ ۹)

۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشان‌ندان [شما] باشد... (نساء/ ۱۳۵)



أَمَنَاءُ الرَّسُولِ» از بالا «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»،^۱ یک مسئولیت از بالا، خدا می گوید من ناظرم. فقه خواندی! این ملت خود را به شما سپردند. می گویند باید ناظر باشی، یک از جانب خدا؛ خودمان هم به نمایندگانمان سپردیم مجلس تشکیل بدهند و در مجلس گفتیم مذهب جعفری و تشخیص موادش با شماست. حالا می فهمیم نقش فقیه در جامعه چیست، سرپرستی تمام امور انسان ها؛ بحمدالله تحصیل کرده های عزیز، مدرسین عالیقدر، حجج و آیات در جلسه تشریف دارند عرضه می دارم فقه را می توانید در چند جمله خلاصه کنید. می گویند شهید^۲ در «قواعد» از -قول- شیعه گفته است، شیخ محمود شلتوت در یکی از کتاب هایش از -قول- اهل سنت گفته است که فقه می گردد تا حفظ کند عقل مردم را، خُلق مردم را، نسل مردم را، مال مردم را و نفس و جان مردم را؛ اینها مطالب ارزشمندی است که فقیه برای این کار می کند. حالا اگر یک قانون برخلاف درآمد یا قانون بود بد اجرا شد مجلس می تواند سکوت کند؟! اصل ۲۷ از قانون اساسی -نه از متمم- مجلس در هر جا نقصی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد. باید به آن مسئول گفت شما مسئول این کار بودید چه شد قانون برخلاف آمد و یا چه شد قانون درست اجرا نشد. وقتی به یک وزیر بگویند، به کسی که بر تمام قوانین نظارت دارد، یعنی پنج فقیه ارزنده که مقتضیات زمان را بدانند حداقل، به این نمی گویند اگر نسل مردم به فساد کشید شما مسئول نبودید؟! مجلس تصویب نکرد؟! خدا نفرمود؟! ملت نخواست؟! اگر شما ساکت باشید نسل بعد سر بر می دارد که آن نسل قبلی سکوتشان به ما ضربه زد. رشد ما را ناقص کرد و ما را به وقوف و در جازدن واداشت. این سوالات دنیایی و اخروی آن و مطالب مربوط به خدا که واویلا...! لذا فقیه بایستی بیدار باشد و این وظایفی که بر عهده اش آمده است بگوید و بیان بکند. آیا این مطلب برای رشد مالی مردم درست نیست؟ شما گفته اید مطالبی که برخلاف قوانین است را تذکر بدهیم. این مسئولیت را به من دادید. من اگر برخلاف قانون اسلام صحبت کنم طبق این قانون محکوم هستم. اما اگر وفق قانون اسلام باشد چیزی بگویم، من مسئولم؟! خودتان نگفتید باید حتماً طبق قوانین اسلام باشد تا موادی که در مجلسین عنوان

۱. قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الفقهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا... فقیهان، أمنای پیامبرانند، تا زمانی دنیایی نشوند... رک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۰۳.
 ۲. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. همانا علما وارثان پیامبران اند. رک: همان، ص ۱۹.
 ۳. ابو عبد الله شمس الدین محمد ابن مکی بن محمد شامی عاملی (۷۸۶-۷۳۴ق) مشهور به شهید اول صاحب کتاب شریف «القواعد والفوائد فی الفقه والاصول والعربیة».



می‌شود به دقت مذاکره و بررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مُطاع و مَتَّبِع خواهد بود و این ماده دوم تا زمان ظهور حضرت حجت عصر (عج الله فرجه) تغییر پذیر نخواهد بود. صرف نظر از مطالب آخرت که آن مهم‌تر است آن مهم‌تر است، ولی در سطح کشور صحبت می‌کنیم که فقیه تا زمان ولی عصر (سلام الله علیه) نظرش در مجلس متبع است و بایستی ابراز نظر بکند. از این طرف فهمیدیم که هشتاد کتاب فقیه مربوط به نظامات مردم است. حتی آن ۶-۷ کتاب عبادی تقریباً زیر بنا است، خودش مستقل است ولی زیر بنا به این معنا هم هست. این فکر خام که در بعضی سرها است جوان‌های کم مطالعه - بعضی از افراد کم مطالعه، بحمدالله بعضی از جوان‌های ما مطالعات خوبی دارند و وارد شدند اما گاه بعضی - به خامی می‌گویند: دین از سیاست جدا است. ما که دیدیم هشتاد کتاب فقه مال نظامات، و دیدیم قانون مصوب اساسی و متمم آن اصلاً می‌گفت هر چه بگذرد بر خلاف باشد مردود است. آن وقت کجا جدا از هم هستند! در چه منطقی! بلکه بالاتر اصلاً دو تان نیست. دین یک مقدارش معتقدات و اخلاقیات است. اصیل و رکن و بسیار ارجمند است و یک مقدار نظامات است و همین نظامات رفته در دستگاه قانون، به طوری که اگر یک قانون بر خلاف باشد مطرود است. پس دو تعبیر از یک معنا نه دو معنای جدا و قهر کرده و آشتی ناپذیر، نه، دو تعبیر از یک معنا است مثل انسان و بشر، سیاست یعنی تدبیر امور مردم و در زیارت جامعه امامان می‌خوانیم «... سَاسَهُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ...»^۱ شما تدبیر کنندگان امور مردم هستید شما بلاد را عمران می‌کنید. «عمران»، عمران به ساختمان ۷۰ اشکوبه ۸۰ اشکوبه^۲ هست؟ ۷۰ اشکوبه. این عمران است؟! جاده‌های ما همه آسفالت شد عمران است! نمی‌گویم اینها نباید باشد حتماً؛ اما عمران یک بدن به لباس زیبا نیست. عمران یک بدن به موی پیچ در پیچ و انسانی که خود را خوب زیور کرده باشد نیست. عمران یک بدن به ۳۷ درجه حرارت، مقدار معین از آن عناصری که باید در بدن باشد، فشار در درجه معین، نمک در درجه معین، قند در مقدار معین - است - حالا لباس باشد یا نباشد. اما اگر لباس در حد اعلای جاذبیت اما بدن در یک فشار شدید، این ناسالم است. ملت و کشور وقتی زنده است که قانون، درست مو به مو، قدم به قدم اجرا شود و همان طور که در اصل نهم متمم قانون اساسی آمده این طور در میان مردم باشد. افراد مردم از حیث

۱. فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره.

۲. اشکوبه = طبقه (فرهنگ معین)

جان و مال و مسکن و شرف، محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد. آن بیچاره تهیدست اما ببیند شرفش محفوظ است؛ می گوید: در مملکتی انسانی زندگی می کنم، جانم محفوظ است، مالم محفوظ است، مسکنم محفوظ است، انتخاب مسکن و کار با خودم است یک هیولا در مقابل من به پا نمی خیزد و یک پرونده سازی برای من نمی شود. اینجا جای زندگی است. حالا سطح درآمد بالا باشد یا پایین؛ من نمی گویم نباید اهتمام کرد به بالا بردن سطح زندگی مردم. مسلماً یکی از برنامه های دینی است که باید مردم در رفاه باشند. اما می خواهم بگویم قبل از این باید قوانین زنده باشد در یک مملکت و باید فقها ناظر به زنده بودن قوانین باشند. وقتی گفتند «شرف» یعنی آقا، یک عمله، کارگر محترم، اگر در روزنامه به او توهین شد ملت باید بگویند: مگر اصل نهم متمم قانون اساسی این نبود که شرف مردم محترم است؟ تعرض به این کارگر چرا؟ تعرض به این شخص و آن شخص چرا؟ اگر یک فردی که یک قدری بالاتر است، اگر یک فردی که موقعیت اجتماعی او سرپرستی بود. اگر توهین شود این قانون مرده یا آن شخص از حدود مسلمان بودن خارج شده؟ چرا رعایت نکنیم مطبوعاتمان را؟ چرا مملکت را می خواهند بگویند قانونش مرده است؟ این مگر قانون نیست؟ اگر قانون مرده است باید فاتحه مملکت را خواند؟ اگر قانون زنده است به قانون احترام بگذارید، به شرف مردم، به عرض مردم؛ دختر خانمی که تحصیل می کند نمی گویم سواد نباید باشد اما بگذارید با چادر باشد. بیایند تا سطح اعلائی دانش، چرا چادر را از من می گیری؟ من می گویم در کشوری غیر اسلامی، اما آزادی محترم است یا نه! اینجا چی؟ علی الخصوص که پیرایه ای بر او را بستند. کشور اسلامی است طریقه حقه جعفریه اثنای عشریه؛ جعفر بن محمد (ع) [صلوات پر شور مردم] بیان تو برای دختران و زنان اسلامی چیست؟ از بیان ایشان بگذریم، آزادی برای مردم عالی ترین موهبت است. این آزادی را نگیرید. این آزادی باشد. جریان یک عده جوان، یک عده کسانی که توانستند با زحمت، بی زحمت خودشان را برسانند به مقامات عالی دانش، اینها شکوفه های دل آویز کشور هستند، اینها امیدهای نسل هستند اینها چه در دانشگاه - در داخل و خارج کشور - چه در معاهد علمی دارند برای کشور کار می کنند. آن می رود رشته های تخصصی را فرامی گیرد که کشور را یاری کند این یکی به معاهد علمی می آید که سرپرستی کند به تمام رشته های علمی و به تمام قوانین و خوب رعایت کند حقوق یک عده سی و چند میلیون ملت مسلمان را، این در اینجا می آید برای سرپرستی و مدیریت و نظارت از آن برج بالا برج مراقبت همه را دارد دیده بانی می کند. من آمده ام به





معاهد قدیم علمی و علمی قدیم برای مراقبت تو دانشجو. تو فرزند منی تو از این ملت برخاسته‌ای، پیغمبر تو را به ما سپرده، «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» محافظ تو باید باشیم، تو و سلف سرویس زندگی تو، تو و کتابخانه درون دانشگاه تو مورد نظر ماست، ما می‌خواهیم به حمایت قانون مقدس آسمانی و به آن چه مجلس می‌گوید علما عهده دارند این مسئولیت را انجام بدهیم، ببینیم تو آزاد باشی. آزاد در حدود زندگانی اسلامی و انسانی، دفاع از تو بر روحانیت لازم است. دفاع از تمام طبقات به حکم اصل دوم متمم قانون اساسی که عرض کردم برمی‌گردد به اسلام که هر چیزی که غیر از اسلام باشد مجاز نیست و ممنوع است. این نقش روحانیت است و روی این نقش چهارده قرن است کار می‌کنند. شما تازه اسم علامه سید جمال‌الدین افغانی میانتان طنین‌انداز شده است، سید محمد مجاهد و یارانش را شنیده‌اید؟ فتوا دادنی که از آن مراجع که سید مجاهد به پا خواسته هر که از او تخلف کند در نزد من مرتد است، شنیده‌اید؟ خیلی قبل از سید جمال‌الدین و آن هنگامی که صلیبیین مسلمین را می‌کوبیدند، یکی از علمای اسلام حرکت کرد داد زد و او محمدا...!! وا قرآنا...!! قرآن و پیغمبر دارد از بین می‌رود. جوان‌ها را حرکت داد و صلیبیین را عقب راند و مسلمین و استقلالشان را حفظ نمود. هنوز نگذشته، چند صباحی بیش نیست (که) سید شرف‌الدین (را) دیدیم در لبنان چه کرد و چطور مسلمین را به نصاب اولشان برگرداند، با چه تلاش با چه مجاهدت و دیگران و دیگران و دیگر بعضی از موارد زبان لازم نیست چشم به جای زبان استخدام می‌شود و گفته می‌شود «فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ...»^۱ وقتی که یک عالم مجاهد به پا می‌خیزد آثارش را انسان می‌بیند چطور او کار می‌کند. در این موارد نقش روحانیت نقش سرپرستی قوانین مربوط به زندگی انسان‌ها است در رفاه، عدالت، مساوات، برابری بلکه بالاتر، برادری «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۲ این پست را که دارد؟ چه کسی اداره کرده است؟ و اگر بود؟! و لذا می‌بینید در تمام مراحل می‌گویند امر به معروف و نهی از منکر لازم است. این ملت را به راه رشد بردن لازم است. توجه کنید به این معنا. خوب است یک قدری دقت کنند درباره مطالبی که فقها در این چهارده قرن برای مردم بیان کرده‌اند. کجا بلبشورا تجویز کرده‌اند؟ کجا گفتند مردم برخلاف انسانیت گام بردارند؟ هر جا بخواهد آزادی اینها گرفته شود درباره آزادی صحبت می‌کنند. در هندوستان از یک عالم به یاد دارم

۱. پس به آثار رحمت خدا بنگر... (روم / ۵۰)

۲. در حقیقت مؤمنان با هم برادرند... (حجرات / ۱۰)

وقتی که مردم به هم خورده بودند از او می‌خواستند بیاید اصلاحی بین هندوها و بین مسلمین بدهد نماینده یک کشور غربی عاجز و درمانده شد گفت: آقا شما بیایید برای اصلاح، گفت: با شما من همگام نمی‌شوم این فساد را شما استعمارگران برپا کرده‌اید و من به ذات مقدس خداوند سوگند خورده‌ام دیده به چهره استعمارگران نیفکنم، آقا مسلمان‌ها در تب و تابند. گفت: با شما همکاری درست نیست. تا بالآخره گفت: بیایید هر جوری مایلید. گفت: من پشت به شما می‌کنم و رو به دیوار به آجرهای بنا اما به شما استعمارگران که این آشوب‌ها از شما به پا خاسته است نگاه نمی‌کنم. یعنی ای بهتر از تو آجر، آن خیانت نکرد و شما این بلیشو را برپا کردید. یک عالم آمد اصلاح کرد و دست گذاشت روی نقطه ضعف و مرکز اختلال.

این مجلس که به نام چنین فرد رشیدی که علم را آموخت و به کار بست منعقد شد در پرتو پدر ارجمند بزرگوارش که دیدیم داریم برای حوزه علمیه در تدریس‌اش، در بحثش چقدر عمیق و دقیق، و موقعی که وظایفی روی مطالب الهی و روی مسئولیت چندین میلیون مردم بر عهده‌اش آمد صحبت کرد و مطالبی را گفت و دیدید مطالب را. اینها چیزهایی است که وظیفه او بوده و انجام داده، مردم مسلمان در موقعی که فقیهی به کاری قیام می‌کند و کاری را انجام می‌دهد تشخیص می‌دهند و تشخیص داده‌اند که وظایفی از جانب خدا بر اوست. خدا شاهد است و خودتان هم می‌دانید یک جا حاضر نیست یک نفر ناراحت شود ولی وقتی حقوق یک ملتی را ببیند بر عهده او نهاده شده است برای حقوق آنها داد می‌زند. برای آزادی ملت داد می‌زند و وظایفی را به مردم محول می‌کند. درباره این وظایف که از روی قوانین حضورتان خواندم مطالبی است که خوب باید دید گفته‌های این مرد چه بوده و چه می‌خواسته است. یکی همین آرامش مردم در پرتو دستورات دین و مطالب مربوط به طریقه حقه جعفریه است. مردم را در این مورد آزاد بگذارید. مردم بتوانند قوانین اسلامی را عملی کنند. آن پنج مجتهدی که می‌گویید زیر نظر آنها باید اداره شود قانون مطابق آن باشد. یک مطلب اساسی و ارجمندی که دائماً ارجاع به اسلام، ارجاع به اسلام، تا وقتی که به گرفتاری‌هایی مبتلا شد و البته در راه دین اینها چیز آسان و چیز ساده‌ای است و در آنجا هم باز مشغول تربیت دانشمندان و محصلین است؛ الان این ملت با این احساسات با شناخت موقعیت فقیه و فقه الان می‌گویند ما از مطبوعاتمان، از مطالب مربوط به کشورمداری و دولت‌های مان ما از آنها انتظار داریم، یک چنین مرجع عالیقدر که مدت‌هاست حوزه علمیه و مسلمین از فیض بیانشان محروم ماندند. گرچه در واقع باز در پرتو زحمات قبلی ایشان به درس و بحث





ادامه می‌دهند. چه می‌شود حالا که باب از آزادی زده می‌شود. در این مورد مطالعه شود و دل‌رمیده مردم را با بازگشت ایشان اُنسی دهند، آرامشی دهند مطالب ایشان را ببینند برای چه مطلبی صحبت می‌کنند؛ کسانی که در گوشه و کنار زندان‌ها هستند به اینها توجهی شود این آبروی خود ملت است که اینها از قسمت‌هایی که به هر وسیله بوده گرفتار و مبتلا شدند و اِرسی به حالات اینها شود، بر اوضاع دانشگاه‌ها و جوانان عزیز که در سراسر کشور مشغول کارند و برای این ملت کار می‌کنند به اینها و اِرسی شود. آزادی بهتری، بیشتری در دانشگاه، در داخل، در خارج، تأیید^۱ اینها شود. بدانند مال این ملت هستند و برای این ملت کار می‌کنند؛ مغزهای آنها به جانب کشور برگردد و اینها برای این ملت کار کنند. در ضمن یک مرد ارزشمند هم، از اول مشغول به کار، مدت مدیدی است در گوشه کرج حضرت آیت‌الله قمی (حفظه الله) [صلوات مردم] توجهی به حال ایشان شود و اِرسی به کار ایشان شود. شما این مطالب را و اصولاً آن مطالب اولیه، در سطح کشور و در رعایت قوانین اینها را بدانید خواسته‌های ملت هست یا نه، آیا اینها با این احساسات گرمشان با این شورشان این معنا را با تمام جانشان از شما نمی‌خواهند؟ آیا اینها به کشور خودشان علاقه‌مند نیستند؟ به کشوری که قانون‌شان می‌گوید حتماً باید طریقه حقه جعفریه اثنی‌عشری برایش اجرا شود. می‌شود یک مسلمان بیابید که علاقه‌مند نباشد؟! اینها را به این کشور دوخته‌اند و برای این کشور دفاع‌گر هستند و اینها برای خارج اگر ببینند یک مسلمان داد می‌زند مسلمان‌ها! به داد من برسید، به دادش نرسند به حکم پیغمبر اسلام فرموده است این مسلمان نیست، «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي: يَا لِمُسْلِمِينَ! فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲ کسی که این طور به یک مسلم دور دست در یک کشور دور افتاده، اگر بشنود صدای او مظلمتا! بیچاره‌ام، در مانده‌ام، در فشارم؛ مسلمان‌ها به دادش نرسند مسلمان نیستند، می‌شود به کشور خود بی‌علاقه باشند؟! خیلی نیرو در میان ما هست خیلی می‌شود برای استقلال و آرامش کشور در پرتو قوانین مقدس اسلام کار کرد، خیلی می‌شود از این بزرگان فقها استمداد کرد، چه خوش است از این نیروها از این افکار به نفع مردم استفاده شایانی بنماییم؛ فرزندان عزیز آیت‌الله و آیت‌الله‌ها در سوگ فرزند برومندش اشک ریختید و جا دارد. رویه فرزند برومندش را می‌شناختید؟ یک مرد ارجمند، پاک، پاکیزه به زندگی فقهی در یک خانه‌ای خیلی محقرانه و مناسب، مشغول زندگی و ادامه دادن به فقه و به کار و به مسائل عبادی، و حتی شنیدم - البته از

۱. در پی چیزی شدن (لغت‌نامه دهخدا).

۲. پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله: هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست. (محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۵، ص ۳۷۷)

ایشان همین هم توقع هست - نماز شب و پیاده رفتن به کنار قبر مقدس ابی عبدالله (ع) آگریه مردم [برای گرفتن شهامت، برای گرفتن روحیه، برای گرفتن برنامه شمنت فرات فحبا نسیمی] *** نسیم الکرامه من بلغه تربت را بوئیدم، بوسیدم، بوی کرامت استشمام کردم. اینها این طور استفاده می کنند و دائم در کار اسلام کوشا و جوشان هستند.

متأسفانه ما را به سوگ خود مبتلا کرد و هاله غمی در سراسر عالمی فرا گرفت و از او فرو گرفت. همه را در غم فرو برد؛ پاکستان را، عراق را، نقاط مختلف ایران را، که ای جوان برومندی که انتظار داشتیم از فقهت، از کلامت، از تدریست، از تحقیقت، از شهامت استفاده کنیم حیف، عزیز بزرگ ارجمند که روحیه ما را فشردی و فسردی و شمع امید را در شبستان دل ما خاموش کردی [گریه مردم] ولی ما همان فقه تو را، همان فهم تو را، همان روحیه تو را در مدارس خودمان دنبال می کنیم که انشاءالله فرزندان معنوی آن فقیه والا و سایر فقههای عظام و کسانی که این مکتب را در چهارده قرن به روی بشر باز کرده اند این مکتب را ادامه دهیم. راهتان این است، پی بردن به احکام الهی و نظارت بر مردم مسلمان جهان، نه تنها مسلمان ایران، بر مردم مسلمان جهان که جوشان و کوشا برای آنان باشیم، این فقیه سعید با آن خصائل انسانی و مسائل اسلامی سر به خاک فرو برد. خواستم بگویم تیره تراب دیدم نه در کنار ابوتراب است. در جوار علامه حلّی قرار گرفته است. پدر را ببین چقدر شکوهمند، عجیب است واقعاً تعجب می کند از صبر تو جمیع طبقات؛ فرزند از دست داده چون کوهی استوار ایستاده است. فرزند من به راه خود رفت من هنوز باید به راه خود ادامه دهم. [گریه مردم] با تجلیل، با شکوه تمام مردم در سوگ او شرکت کردند عراق یکپارچه عزا و مصیبت شد. علم زیاد است علم مسئول است که این جوشش را ایجاد می کند. در آن جوان علم مسئول دیدند و عالم متعهد به چشمشان خورد و همین که الان می بینیم در سراسر ایران چه غوغاست این علامت این است که عالمی که ببینند سرپرستی از آنها می کند قدر می گذارند و احترام می نهند. حیات تو حیاتی بود برای اسلام ممات تو هم حیاتی بود برای اسلام، ممات تو باز آب تازه ای بخشید به درختان... گاهی بعضی از اوراقش^۱ ضبط شده تو تحرکی دادی، تو جنبشی دادی روح با جدت مصطفی (ص) توأم و محشور باد [مردم: الهی آمین].

تسلیتی از جانب حوزه های علمیه بالاخص حوزه علمیه قم، خاصه از هیئت مدرسین به روح شکوهمند پر شکیب داغ دیده ولی چون کوه استوار، پدر ارجمندش حضرت آیت الله العظمی خمینی [صلوات مردم]، به محضر عموی والا و ارجمندش حضرت





حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید مرتضای پسندیده عرضه می‌دارم که سخت در این سوگ سوخت ولی هم خود از این خاندان بزرگ است هم له فی هذه الایه أسوه حسنه به برادر ارجمندش، آیت‌الله، اقتدایی نیکو انجام می‌دهند و خواهند داد به باقی بستگان و عزیزان تسلیت عرض می‌کنم به دامادهای محترمشان و خاصه... ایشان برادر ارجمندش جناب آقای حاج سید احمد خمینی [صلوات مردم] دانشمند، فاضل، گرامی، والا، خداوند وجود این خاندان را برای مسلمین محفوظ بفرماید [مردم: الهی آمین]. او در سوگ برادر شرکت کرد و در عزای او نشست بر او سخت گذشت به خصوص نعش برادر را به روی دست ببیند [گریه مردم]. ولی دید حتی مراجع بزرگ نجف و عالیقدر، تشییع کردند، نماز خواندند و با جمال و کمال و شکوه به خاک سپردند؛ مع ذلک تسلیت عرض می‌کنیم. دلم می‌خواهد همان‌طور که خودش به آستان حسین می‌رفت مصیبتش را به آستان حسین عرضه بداریم. برادر در غم برادرت سوختی [گریه مردم]، برادر در غم برادرت هاله غمی چهره تو را گرفت اما دیدیم با چه جلالی و عظمت به خاک رفت تو کجا بودی برادری ببینی از کنار بدن برهنه برادر اجازه و رخصتش ندهند برادر را به خاک سپارد یک نگاه به بدن برادر، والا برادرم بدن مجروح عریانت را به روی خاک با دلی پر غم می‌گذارم و به جانب شام روانم که فلسفه کار تو را آنجا بیان کنم؛ عرایضم را خاتمه می‌دهم. مایل بودم بیشتر با شما سخن بگویم حالت مساعد نبود ولی چه کنم جلسه‌ای بود شکوهمند با آقایان مدرسین، وظیفه‌ام دانستم چند کلمه‌ای سخن بگویم.

منبری نرفتم فقط چند کلمه‌ای به عنوان این که ما هم عزاداریم و چند کلمه‌ای در سوگ آن مرد و رسالت آن مرد، به سوگ اهمیت می‌دهیم ولی رسالت مهم‌تر است؛ چند کلمه دعا می‌کنیم. خداوندا به آبروی پاکان و نیکانت پیغمبر و آل نظم و آرامشی، آسایش و رفاهی به همه ملت مسلمان عطا فرما [مردم: الهی آمین]. خدایا ورید و شریان قانون را در کالبد ملت ایران زنده گردان [مردم: الهی آمین]. خدایا قانون را مطابق با مذهب جعفرین محمد صادق سلام‌الله علیه مقرر فرما [مردم: الهی آمین]. پروردگارا مردم را به شناخت بیشتر پایگاه فقه و فقاقت آشنا فرما [مردم: الهی آمین]. پروردگارا اجر و صبر جمیلی بر آن روح پرشکيب نازل فرما [مردم: الهی آمین]. پروردگارا به آبروی ولی عصر سایه این مرد را بر سر ما مستدام بدار [مردم: الهی آمین]. حوزه‌های علمیه، علمای اعلام، آیات و مراجع، هر که در هر جا، در قم، در نجف، در تهران، در مشهد، کمک به دین می‌کند کمکش فرما [مردم: الهی آمین]. نصرت به دین می‌کنند نصرتشان فرما (مردم:

الهی آمین]. پروردگارا این همبستگی بین تمام طبقات به خصوص نسل جوان، خاصه در سطح دانش و دانشگاه، این همبستگی بین تمام طبقات را به نفع اسلام و مسلمین مصون و محفوظ بفرما [مردم: الهی آمین]. پروردگارا کسانی که شکاف در بین مسلمین می‌اندازند آنها را متنبه و بیدار و هوشیار فرما [مردم: الهی آمین]. ما را با اصول لازم و ضروری اسلام و آگاهی بیشتر آشنا فرما [مردم: الهی آمین]. همان طور که تذکر داده شد آقایان بسیار با آرامش، با وقار، رعایت نزاکت و انتظام را کنند که این مجلس مال شماسست و برای شما انجام شده، انشاءالله با کمال آرامش خالی شوند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.





سخنرانی آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. والعاقبه للمتقين و جنبه للمؤمنين والنار للكافرين. ثم الصلوه والسلام على خير خلقه الرسول المسدد المصطفى الامجد المحمود الاحمد حبيب اله العالمين ابى القاسم محمد [صلوات مردم] على آله الطيبين الطاهرين. از دوستان محترم برادران ارجمند، روحانی و دانشگاهی و بازاری تقاضا می‌کنم بگذارید که نبض مجلس در اختیار گردانندگان مجلس باشد، استدعا دارم خواهش دارم فرضاً اگر گوشه‌ای بلندگو قطع شد و صدای من به دورترین نقطه مجلس نرسید سر و صدا نکنید، توجه به عرضم بفرمایید؛ هر چند از بیانات استاد بزرگوار جناب آقای خزعلی همگی بهره شافی و کافی بردیم، دواى درد سينه‌ها را فرمودند اما من دیدم باز مجلس حالت منتظره‌ای دارد. دوستان برادران عزیز دلشان می‌خواهد مجلس باز هم ادامه پیدا کند باز هم سخنی بشنوند باز هم مطلبی با آنها در میان گذاشته شود و دردی از دردهای روحانیت و جامعه اسلامی با آنها در میان گذاشته شود، دردها فراوان است، ناراحتی‌ها زیاد است، فشارها و تألمات روحی زیاد است، هر چه گفته شود تمام‌شدنی نیست، ملت مسلمان ایران، روحانیت ایران، حوزه علمیه قم پایگاه بزرگ امام جعفر صادق شمعى فروزان، آیتی بزرگ، رهبری بزرگ، زعیمی ارزشمند، زعیمی آگاه و آگاه‌کننده را در حدود چهارده سال است از کف دادیم در بین خود نمی‌بیند از فیض وجود او محروم است، همه ما تقاضا داریم می‌خواهیم ما ملت ایرانیم آنها که در این مجلس اجتماع کرده‌اند از شهرستان‌های مختلف در این مجلس حضور یافته‌اند همه مال قم نیستند همه اهل قم نیستند، آقایان خواهش می‌کنم به عرضم توجه کنید صدای من بیرون نمی‌رود اما چه کنیم، اجازه بفرمایید آنهایی که صدای من را می‌شنوند بشنوند. خواهش همه ما خواسته همه ما این است مگر آن بزرگ‌مرد، مگر آن زعیم عالیقدر جز انجام وظیفه در تمام مدت زندگی کاری انجام داد؟ که باید یک ملت یک امت از فیض او محروم باشد. همان‌طور که استاد بزرگوار جناب آقای خزعلی فرمودند متمم قانون اساسی صریحاً می‌گوید مملکت در اختیار اسلام است، مملکت باید در اختیار روحانیت باشد اگر روحانیت اعوجاجی، انحرافی، کوتاهی، قصور یا تقصیر مشاهده کرد تذکر داد جرمش این است او را از مملکت بیرون کنند. [گریه مردم] این ملت مسلمان زعیمی‌اش را می‌خواهد [صدای جمعیت: صحیح است صحیح است...]. استدعا دارم بگذارید هر چه گفتنی باشد خود من می‌گویم. اگر از شما تصدیق خواستم تصدیق کنید، آیا این همه محبوبیت، این همه احساسات، این همه شور و هیجان ملت مسلمان نادیده گرفتن به صلاح یک مملکت هست؟! یک روزنامه یا روزی‌نامه، یک ورق پاره، بردارد بنویسد نام

آن زعیم بزرگ را در لابه‌لای نام‌های دیگر به عنوان سید روح‌الله در لابه‌لای نام‌های دیگر و با جسارت‌ها و توهین‌های فراوان که قلوب این مردم را همه را جریحه‌دار می‌کند [گریه مردم] آیا سزاوار است؟ شما نام او را به آن نحوه روزنامه‌نویس نام او را آن بزرگ‌مرد را به آن طریق در روزنامه بنویس بگذار من هم یک بار نام او را در اینجا می‌برم آن زعیم بزرگ آن رهبر بزرگ حضرت آیت‌الله العظمای خمینی [صلوات مردم] آیا این جواب برای شما کافیست؟ تصور می‌کنم اگر از عقل و فکر بهره‌ای داشته باشید کافیست احتیاج ندارم من دیگر جواب بگویم مردم جواب گفتند، آیا ملت مسلمان حق دارد اعتراض بکند وزارت امور خارجه ایران اگر یک نفر ایرانی در هر گوشه‌ای از دنیا بمیرد از بین برود زیر ماشین برود کسی به او چاقو بزند کسی مزاحم او بشود وزارت امور خارجه یعنی حافظ اتباع ایران در خارج کشور، موظف است تحقیق می‌کند بررسی می‌کند چگونه شد چرا از بین رفت چرا از دنیا رفت کرد چگونه شد، در مورد آیت‌الله آقای حاج آقا مصطفی وقتی که از دنیا رفتند روزنامه‌ها همه سکوت کردند؛ وزارت امور خارجه سکوت کرد. آیا جانداشت از درگذشت این مرد بزرگ، از این ضایعه اسفناکی که ملت ایران با او مواجه شد تحقیق کند و ملت ایران را آگاه کند و ملت ایران را در جریان بگذارد چرا؟ برای چه؟ چگونه شد؟ چرا این عزیز از دست ما رفت؟ چرا آن قلب بزرگ با عظمت که از کوه‌ها بزرگ‌تر است چرا آن قلب بزرگ جریحه‌دار شد؟ آیا این اعتراض ایراد ما وارد است؟ این اشکال ما درست است؟ چرا برای چی؟ چرا باید این تا این اندازه شکاف را عمیق کند؟ برای چی؟ به درد دل مردم برسید، به احساسات مردم جواب بدهید، برای احساسات مردم احترام بگذارید، روحانیت برای تمام زعمای و بزرگان برای تمام مراجع و برای آن رهبر عظیم‌الشأن، برای آن بزرگ‌مرد، برای آن آیت بحق عظمای خدا، آن آیت عظمای، حضرت آیت‌الله العظمای خمینی [صلوات مردم] احترام قائل است برای او دعا می‌کند در انتظار است ای خدا، ای پروردگار بزرگ که باید تمام گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها را به تو شکایت کنیم. اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبه ولینا و کثره عدونا و قله عددنا و تظاهر الزمان علینا. ای خدا به تو شکایت می‌کنیم رهبرمان قلبش جریحه‌دار شد [گریه مردم] پروردگار!! از تو می‌خواهیم وسایل بازگشت آن مرد عالم تشیع را به ایران و وسایلیش را فراهم بفرما [مردم: الهی آمین]. بس است حرف زیاد است ولی احساسات بر من غلبه کرد؛ من از حال طبیعی خارج شدم، من هم مانند شما احساس دارم. برادر ارجمندم جناب آقای خلخالی دانشمند معظم جناب آقای خلخالی امروز صبح قبل از بیانات استاد بزرگوار تذکری دادند من آن تذکر را تکمیل کنم. ما برای احساسات شما جوان‌ها خیلی احترام قائلیم، شما سرور ما هستید، شما برادر ما هستید، یک جمله‌ای را از



آن را دمرد عرض کنم؛ یادم است این جمله را می‌فرمود آن بزرگ‌مرد؛ آن رهبر می‌فرمود: آهای جوان‌ها شما به عهد خدا نزدیک‌ترید از ما و چون به عهد خدا نزدیک‌ترید بهتر می‌توانید از عمر و زندگی بهره‌برداری کنید. شور شما، عواطف شما، احساسات شما، در نظر ما محترم، روحانی، برادران دانشگاهی عزیز ما، که می‌بینم در این مجلس زیاد هستند برای همه‌شان احترام قائل هستیم، اما همان طوری که بارها تذکر داده شد تنها با احساسات فقط نمی‌شود کار را پیش برد و زندگی را اداره کرد در کنار احساسات تعقل هم لازم است؛ به کار بردن عقل و اندیشه هم لازم است. اساتید بزرگ حوزه این جور مصلحت دیدند که شما بر احساسات تان کاملاً حاکم باشید، احساسات باید حساب شده و از کانال تعیین شده پیش برود. عرض کردم بنده تحت تأثیر احساسات قرار گرفتم خیال می‌کردم شاید یک مقداری بیشتر بتوانم با شما درد دل بکنم اما هم‌ظاهر نزدیک است هم من نمی‌توانم صحبت بکنم و همین‌جا به عرایض خاتمه می‌دهم. امروز بعد از ظهر هم به عرایض که دارم خاتمه می‌دهم البته مجلس هم خاتمه پیدا می‌کند تمام می‌شود و همین‌جا این مجلس تمام می‌شود اما مجالس بعدی هنوز ادامه دارد. بعد از ظهر امروز از طرف اصناف محترم قم، بازار قم، در بازار در مسجد نه در خود بازار مجلس ترحیم برقرار است. روز یکشنبه بعد از ظهر در تهران مسجد ارک از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر از طرف روحانیون، اساتید دانشگاه، بازرگانان، مهندسی‌ن، پزشکان مجلس منعقد است؛ امیدوارم دوستان در این مجالس با حفظ نظم و آرامش با حفظ نظم و آرامش شرکت بفرمایید. امشب در همین مسجد در همین‌جا از طرف آن بیت بزرگ از طرف بیت حضرت آیت‌الله العظمای خمینی [صلوات مردم] باز مجلس منعقد است. چند جمله دعا می‌کنم و با همین دعا به عرایض خاتمه می‌دهم. نسألک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز...

درنگی در بازتاب سخنرانی‌های مجلس ختم

ضبط و پخش سراسری سخنرانی‌های اعتراضی در مجالس عزاداری آقا مصطفی خمینی، نقطه عطف و یکی از مهم‌ترین ثمرات این مراسمات زنجیره‌ای است که دامنه اعتراضات را فراگیر و عمومی کرد و استدلال‌های مختلف در نقد عملکرد رژیم را در میان محافل عمومی انتشار داد و نقش مهمی در ایجاد یک «گفتمان انقلابی فراگیر» رقم زد. از این اقدام راهبردی می‌توان به «نهضت نوار» تعبیر کرد که گرچه پیش از این نیز در انتشار برخی سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های امام از آن بهره‌برداری شده بود، اما بعد از واقعه شهادت آقا سید مصطفی، این نهضت نرم، با قدرت بیشتری تجلی کرد و بعداً در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر جای گذاشت.

در برخی گزارش‌های ساواک، به نقش تعیین‌کننده انتشار نوارهای سخنرانی مجالس

ختم، چنین اشاره شده است:

مجالس ترحیمی که به مناسبت رحلت مصطفی خمینی در نقاط مختلف تشکیل شده است و گویندگان و وعاظ در آن سخنرانی کرده‌اند، از سخنرانی آنان، نوار تهیه شده و نوار فروشی‌های قم در حال حاضر، مرتب این نوارها را تکثیر کرده و مشغول فروش آن به قیمت‌های خوب هستند... مهم‌ترین و پرفروش‌ترین آنها، نوار سخنرانی آقایان عبدوست^۱ و خزعلی و برقعی در قم، دکتر عبدالرضا حجازی و دکتر روحانی در تهران و شیخ محمدعلی گرامی در کرمانشاه است...^۲

بررسی بازتاب‌ها و پیامدهای شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی و مراسمات بزرگداشت ایشان، یکی از عرصه‌های مغفول در تاریخ انقلاب اسلامی است که در مداخل دانشنامه‌ای و زندگی‌نامه‌های آقا مصطفی نیز این نقیصه مشهود است. برای نمونه در مدخل «خمینی، روح‌الله» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* (بخش مربوط به «فرزندان ذکور امام»)، که به قلم جناب آقای حمید انصاری نیز نوشته شده است، پیرامون بازتاب‌ها و پیامدها و تأثیرگذاری مراسمات شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی بر روند نهضت امام خمینی، کمترین اشاره‌ای به چشم نمی‌خورد.^۳

۱. عبدوس صحیح است.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده امام خمینی (ره)، شماره بازیابی ۸۶۹، ص ۷۳؛ به نقل از: سجاد راعی گلوچه، *بازتاب‌ها و پیامدهای رحلت اسرارآمیز آیت‌الله مصطفی خمینی به روایت اسناد*، همان، ص ۶۱.
۳. مدخل «خمینی، روح‌الله»، در جلد ۲۲ *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* (از صفحه ۶۶۴ الی ۷۶۳) و به قلم آقایان فرامرز حاج منوچهری، احمد پاکتچی و حمید انصاری نوشته شده است. مدخل مذکور دارای نه بخش اصلی به قرار ذیل است:

۱. خاندان؛ شامل دو بخش (پیشینه و نسب) و (ازدواج و فرزندان)
۲. مباحث تاریخی؛ که شامل دو بخش (از ولادت تا انقلاب اسلامی) و (از پیروزی انقلاب تا ارتحال)
۳. مبانی و شاخص‌های اندیشه دینی و عرفانی؛ شامل سه بخش (خدانشناسی و انسان‌شناسی و رابطه انسان با خدا)
۴. شاخص‌های اندیشه و رفتار سیاسی؛ شامل سه بخش (کلیات و اندیشه سیاسی و رفتار سیاسی)
۵. اندیشه اجتماعی و فرهنگی؛ شامل شش بخش (کلیات و نهاد خانواده، نهاد مذهب، نهاد تعلیم و تربیت، نهاد اقتصادی و نهاد حکومت)
۶. سیره علمی؛ شامل دو بخش (حوزه درسی و شاگردان و آثار)
۷. اندیشه فقهی امام خمینی؛ شامل سه بخش (انسان‌شناسی فقهی، فقه و اصول به مثابه علم و فقه در کشاکش نصوص و واقع اجتماعی)
۸. فرزندان ذکور امام؛ سید مصطفی خمینی و سید احمد خمینی
۹. اماکن و مؤسسات منسوب به امام خمینی

بخش مربوط به زندگانی آیت‌الله سید مصطفی خمینی به قلم جناب آقای حمید انصاری، قائم مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی است. با توجه به سوابق نویسنده این بخش، انتظار می‌رفت که نویسنده، از اسناد موجود در مؤسسه مذکور بهره گیرد و به این پژوهش غنایی ویژه ببخشد، ولی با مطالعه تحقیقی، متأسفانه مشاهده می‌شود که این بخش از مدخل نیز با اتکا به برخی منابع غیر معتبر یا درجه دوم نوشته شده و به تبع آن، نویسنده محترم بعضاً دچار اشتباهاتی فاحش شده است. از جمله مهم‌ترین نواقص این مدخل، عدم اشاره به بازتاب‌ها و پیامدهای شهادت بازتحال آیت‌الله سید مصطفی خمینی است.





حال آنکه بر اساس اظهارات مطلعین و شهادت اسناد تاریخی، عامل اصلی در ایجاد جرقه انقلاب اسلامی در سال ۵۶، واقعه ارتحال ایشان بوده است. این معنا در بیان افراد مختلف از کارگزاران امنیتی پهلوی^۱ گرفته تا برخی از روحانیون مبارز، بازتاب یافته است. برای نمونه، در خاطرات جناب آقای حجتی کرمانی - یکی از اعضای بلندپایه شورای علمی *دایره‌المعارف بزرگ/اسلامی* - از این واقعه به عنوان «مرگ زندگی ساز» تعبیر شده است.^۲ پیش‌تر آقای سهراب مقدمی شهیدانی با همراهی آقای میثم عبداللهی چیرانی در کتاب *نقدی بر مدخل خمینی، روح‌الله در دایره‌المعارف بزرگ/اسلامی* با تفصیل بیشتری به این نقیصه تاریخی پرداخته‌اند.^۳

۱. مانند پرویز ثابتی، رک: عرفان قانعی فرد، *در دامگه حادثه*، لس آنجلس، شرکت کتاب، ۱۳۹۰، ص ۳۴۴-۳۳۸.
 ۲. در خاطرات حجت‌الاسلام حجتی کرمانی چنین می‌خوانیم:

«مرگ زندگی ساز

در آبان ماه ۱۳۵۶ فرزند بزرگ امام خمینی - حاج آقا مصطفی خمینی - به صورت ناگهانی و مشکوک در نجف درگذشت. فوت حاج آقا مصطفی خمینی را می‌توان سر آغاز تجدید و احیای مبارزات اسلامی دانست و همان‌طور که امام گفت از الطاف خفیه خداوند بود چرا که فوت ایشان باعث شد تا بار دیگر امام خمینی از انزوا بیرون بیاید و جرقه تجدید و احیای مبارزات اسلامی زده شود.

امام پس از تبعید به ترکیه و نجف اشرف، بسیار منزوی شده بودند. بردن نام ایشان قذغن بود. رساله ایشان به سختی به دست آمد. اگر رساله ایشان را می‌دیدند، دارنده رساله را دستگیر می‌کردند. اگر کسی وجوهاتی داشت، می‌بایست به سختی و با مشکلات زیاد به نجف برود و یا به نمایندگان ایشان آقای پسندیده و شیخ محمدصادق تهرانی (کرباسچی) در قم یا آقای لواسانی در تهران به صورت مخفیانه پول برساند. اما بعد از فوت حاج آقا مصطفی خمینی، بار دیگر نام امام بر سر زبان‌ها افتاد در سراسر ایران مراسم عزاداری برگزار شد. گرچه گویندگان بر سبیل احتیاط سعی می‌کردند از بردن اسم امام خودداری کنند!

در اینجا می‌خواهم از نظر روانشناسی اجتماعی و تاریخی به نکته‌های اشاره کنم و آن این است که: یک سنت قدیمی در بین مراجع تقلید بوده و هست که وقتی یکی از مراجع عزادار باشد و یکی از وابستگان و نزدیکان خود را از دست بدهد، سایر مراجع تقلید و علما، بر حسب سنت رایج، خود را موظف می‌دانند تا در مجالس ترحیم صاحب عزاء شرکت کنند و به او تسلیت بگویند و از متوفی تجلیل کنند. بنابر این سنت، در قم و سراسر ایران، مراجع تقلید و علما در چه یک شهرهای ایران، مجالس فاتحه برای حاج آقا مصطفی برگزار کردند که در واقع اعلام وابستگی و همبستگی با امام خمینی بود. این پدیده سراسری باعث شد که رژیم پهلوی به مقام و موقعیت و اعتبار امام خمینی در میان علمای مذهبی بیشتر آگاه شود، در نجف هم مراجع تقلید بزرگ چون آیت‌الله خویی و آقایان دیگر مجلس فاتحه گرفتند. البته بردن اسم امام در ایران ممنوع بود و در این مجالس هم هیچ‌گونه حرف سیاسی زده نمی‌شد. ولی با برگزاری همین جلسات خود به خود برای ادامه مبارزه تلنگر زده شد.»

رک: عشق و تلاش (خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی مشتمل بر زندگی خصوصی، دوران تحصیل و مبارزه، دوران زندان و تبعید (۱۳۵۷-۱۳۱۱)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، عروج، ۱۳۹۵، ص ۲۹۰-۲۸۷.

۳. برای اطلاع تفصیلی، رک: سهراب مقدمی شهیدانی و میثم عبداللهی چیرانی، *نقدی بر مدخل خمینی، روح‌الله در دایره‌المعارف بزرگ/اسلامی*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹-۱۶۷.